

«حکمت متعالیه»

در اندیشه صدرالمتهلین

محمدصادق علی پور*

دانش‌آموخته دکترای فلسفه تطبیقی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

چکیده

شاید در طول تاریخ کمتر مکتب فلسفی بی مانند حکمت متعالیه، کانون قضاوت‌های مختلف و گاه متقابل بوده باشد. گستره و نفوذ حکمت متعالیه، در کنار قوت و شمولش، باعث شده اندیشمندانی با گرایش‌های فلسفی، عرفانی، کلامی و حتی قرآنی، به آن روکنند و از پنجره دید خود، آن را توصیف کرده، خواسته یا ناخواسته، بنفع خود مصادره و تفسیر کنند. همین اختلافها موجب شده حقیقت و ماهیت آن دچار ابهام شود. معنا و حقیقت خود «حکمت» نزد صدرالمتهلین که متصف به صفت «متعالی» شده است، یکی از این موارد ابهام است. تلاش در راستای رفع این ابهام، ما را بر آن داشت که با مراجعه به سخنان و کلمات خود صدرالمتهلین، حکمتش را توصیف کنیم. در این راستا، پس از تعیین ماهیت حکمت و فلسفه، و بررسی تطبیقی تعریف حکمت مشهور با حکمت متعالیه و یافتن نقاط افتراق و اشتراک، مشخص شد این حکمت نوع خاصی از حکمت است که با منشئی نبوی و دینی، موهبتی است الهی که تنها نصیب بندگان خاص او میشود؛ حکمتی که عرفان و برهان را در سایه قرآن به ساحل امن هماهنگی و تعاضد میرساند. نیل به این مقصود، با این دو میسر شده است.

کلیدواژگان

حکمت
عقل
عرفان
مقدمه

حکمت متعالیه
وحی
صدرالمتهلین

اندیشه فلسفی صدرالمتهلین که بتاسی از نام کتاب اصلی وی (الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة) حکمت نامیده شده، مورد قضاوت‌های متفاوت بوده است؛ دسته‌بی آن را فلسفه‌بی التقاطی، گروهی فلسفه عرفانی، عده‌بی کلام فلسفی و جمعی دیگر آن را نه فلسفه، بلکه تفکیکی میان فلسفه و شریعت دانسته‌اند! این در حالی است که مطابق با دیدگاهی دیگر، حکمت متعالیه ملاصدرا حقیقت بسیطی است که عنصر اصلی آن را برهان، عرفان و قرآن تشکیل میدهد.^۱

تنوع قضاوتها در مورد حکمت متعالیه، این پرسش را پیش میکشد که به چه دلیل است که

*.Email: msalipoor@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۳۰ تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۲۷

۱. فرامرز قراملکی، روش‌شناسی حکمت صدرایی، ص ۳۷ به

بعد.

۲. جوادی آملی، رحیق مختوم، ج ۱، ص ۱۳.